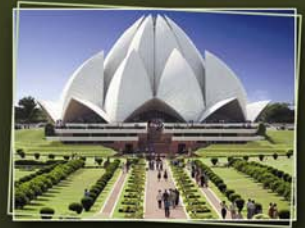


معرفی دیانت بهای





دیانت بهائی یک دیانت جهانی است و هدفش وحدت جمیع نژادها و ملیتها در یک آرمان بین المللی و دیانت واحد می باشد. بهائیان پیروان حضرت بهاءالله هستند، و ایشان را موعود جمیع اعصار می دانند. تقریباً همه ملل به آینده ای وعده داده شده اند که صلح و هماهنگی در روی کره زمین تاسیس گردد و نوع بشر در رفاه زندگی نمایند. ما معتقدیم که ساعت موعود فرا رسیده و حضرت بهاءالله آن شخص عظیمی هستند که تعالیمشان بشریت را قادر بر ساختن عالمی جدید می سازد. حضرت بهاءالله در یکی از آثارشان می فرمایند:

”و دریاق اعظم که سبب و علت صحت اوست، اتحاد من علی الارض است بر امر واحد و شریعت و آداب واحده و این ممکن نه مگر به همت طبیب حاذق کامل موید، که مخصوص نظم عالم و اتحاد اهل آن از شطر قدم به عرصه عالم، قدم گذارد و توجه نماید.“



”و دریا ق اعظم که سبب و علت صحت اوست ،
اتّحاد من علی الارض است بر امر واحد و
شریعت و آداب واحده و این ممکن نه مگر به
همتّ طبیب حاذق کامل مویّد، که مخصوص نظم
عالم و اتّحاد اهل آن از شطر قدم به عرصه عالم، قدّم
گذارد و توجّه نماید.“



حضرت بهاءالله می فرمایند که **ذات خداوند غیر قابل درک است.** این بدان معنی است که ما نباید در ذهنمان از خداوند تصویری مثلاً به صورت یک انسان، مجسم کنیم. به طور کلی، مخلوق قادر به درک خالقش نیست. برای مثال، میز نمی تواند به وجود نجاری که او را ساخته است پی ببرد. وجود نجار برای هرچه که می سازد مبهم است.

خداوند خالق همه چیز است. او آسمانها و زمین با همه موجوداتش را آفریده است. همچنین خداوند خالق نوع بشر است. حضرت بهاءالله به ما تعلیم می دهند که علت خلقت عشق بوده. ایشان می فرمایند:

”يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ أَحَبِّتْ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ فَاحْبِبْنِي كِي أَدُكَّرَكَ وَفِي رُوحِ الْحَيَاةِ أُثَبِّتَكَ.“

”دوست داشتم تو را خلق کنم پس تو را آفریدم. مرا دوست بدار تا یادت کنم و تو را به روح حیات پاینده سازم.“



”يَا ابْنَ الْإِنْسَانِ أَحَبُّتُ خَلْقَكَ فَخَلَقْتُكَ فَاحْبِبْنِي كَمَا
أَذْكُرَكَ وَفِي رُوحِ الْحَيَاةِ أُثَبِّتُكَ.“

”دوست داشتم تو را خلق کنم پس تو را آفریدم. مرا
دوست بدار تا یادت کنم و تو را به روح حیات پاینده
سازم.“

عهد و میثاق



لذا با وجود این که ذات خداوندی بسیار دور از ادراک ماست، ولی محبتش، زندگی و وجود ما را دائماً تحت تاثیر خود قرار داده. این محبت از طریق **عهد و میثاق ابدی** او در ما جاری می شود. طبق این پیمان جاودانی، خداوند هیچ وقت ما را تنها و بدون راهنما نمی گذارد. هر وقت که بشر از او دوری کند و تعالیمش را فراموش نماید مظهر ظهور جدیدی ظاهر شده و نصایح و اراده اش را به ما تعلیم می دهد.

کلمه عهد یعنی وعده و قرارداد بین دو یا چند نفر.



طبق این پیمان جاودانی، خداوند هیچ وقت
ما را تنها و بدون راهنما نمی گذارد. هر
وقت که بشر از او دوری کند و تعالیمش را
فراموش نماید مظهر ظهور جدیدی ظاهر شده
و نصایح و اراده اش را به ما تعلیم می دهد.

مظهر ظهور



کلمه ظهور بمعنی آشکار شدن است، یا نشان دادن چیزی که پنهان بوده است. **مظاهر ظهور الهی همان وجودات مقدسی هستند که برای نوع بشر نصایح و اراده الهی را آشکار می نمایند.** بدین ترتیب وقتی به کلام آنها گوش دهیم، چنان است که ندای الهی را اجابت کرده ایم.

مثالی از عالم ماده که به ما کمک می نماید تا معنی "مظهر ظهور" را طبق تعلیم حضرت بهاءالله درک کنیم این است که در این عالم، خورشید منبع کلی حرارت و روشنائی است، بدون آن، زندگی بر روی کره زمین غیر ممکن می باشد. اما خورشید هیچ گاه به زمین نمی آید، و اگر ما نیز سعی کنیم که به آن نزدیک شویم، به کلی خواهیم سوخت.

ولی فرض کنید که یک آینه پاک و صاف را مقابل خورشید قرار دهیم. در آن تصویر خورشید را مشاهده خواهیم کرد، و هر قدر آینه شفاف تر باشد تصویر خورشید واضح تر دیده می شود. مظاهر ظهور الهیه همانند آئینه های شفافی هستند که نور الهی را با تمام شکوه و جلالش برای بشر منعکس می کنند. و تمام این آئینه ها انعکاس دهنده یک نور هستند. در حالی که دسترسی به خداوند برای ما ممکن نیست، این وجودات مقدسه به تدریج بین ما ظاهر می شوند، در میان ما زندگی می کنند، ما را هدایت نموده، و سرشار از قوای لازمه برای **پیشرفت مادی و معنوی** می سازند.



مظاهر ظهور الهی همان
وجودات مقدسی هستند که
برای نوع بشر نصایح و
اراده الهی را آشکار می نمایند.

حضرت بهاءالله - مظهر ظهور عصر کنونی



✱ در حال حاضر می توانیم از طریق مظهر ظهور جدیدی با نام حضرت بهاءالله به معنای شکوه و جلال خداوندی، تعالیم الهی را به دست بیاوریم. تعالیم حضرت بهاءالله هماهنگی زیادی با تعالیم مظاهر ظهور دیگر دارد، لیکن منطبق با شرایط امروزه بشر است. اگر یک لحظه به وضع اسفناک بشر امروز توجه نماییم، مطمئناً به لزوم ظهور مظهر الهی جدیدی پی خواهیم برد. حضرت بهاءالله در رابطه با این روز که در آن زندگی می نماییم، می فرمایند:

”امروز، روز فضل اعظم و فیض اکبر است؛ باید کل به کمال اتحاد و اتفاق در ظل سدره عنایت الهی ساکن و مستریح باشند.“





”امروز ، روز فضل اعظم و فیض اکبر
است؛ بایدکل به کمال اتحاد و اتفاق در
ظلّ سدره عنایت الهی ساکن و مستریح
باشند.“

وحدت عالم انسانی



هدف دیانت بهایی وحدت عالم انسانی است.

حضرت بهاءالله می فرمایند:

”ای اهل عالم! سراپرده یگانگی بلند شد، به چشم بیگانگان یکدیگر را مبینید، همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار.“

بنابر این بیان مبارک، ما میوه های یک درخت هستیم و برگهای یک شاخه. با این که از نظر ظاهری و احساس متفاوتیم، و استعداد و توانائی های مختلفی داریم، ولی از یک ریشه به وجود آمده ایم و همه اعضای یک خانواده هستیم.

نوع بشر را می توان به گلستان وسیعی تشبیه نمود که دارای گل هایی با رنگها و عطرهاى متفاوت است. جذابیت و زیبائی گلستان به تنوع آن است. نباید اجازه دهیم که تفاوت هایی مانند قیافه ظاهری، خلق و خوی، عقاید گذشته و آراء و افکارمان سبب مجادله و کشمکش گردد. ما باید نوع بشر را گل هایی زیبا ببینیم که در گلستان بشریت روئیده اند و از تعلق به این گلستان مسرور باشیم. با این که وحدت نوع بشر، حقیقتی غیر قابل انکار است، ولی مردم آن قدر از این واقعیت دور هستند که وحدت بخشیدنشان کار ساده ای نیست.

در جامعه بهایی ما همه تلاش می کنیم که افکار و اعمالمان را با اعتقادمان به وحدت عالم انسانی هماهنگ نماییم.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”فکر جنگ را با فکر قوی تر صلح مقاومت کنید. فکر نفرت را با فکر قوی تر عشق مقابله نمایید.“





”فکر جنگ را با فکر قوی تر صلح
مقاومت کنید. فکر نفرت را با فکر
قوی تر عشق مقابله نمایید.“

ترک تعصبات



ما باید تا آن جا که می توانیم بر تعصباتمان غلبه کنیم. **تعصبات نژاد، رنگ، ملیت، عادات و تقالید، تعصب دینی و جنسی**، این ها همه موانع بزرگی جهت ساختن جهانی بهتر هستند. بسیاری از تعالیم بهائی به ما می آموزد که چگونه در راه رسیدن به وحدت قدم برداریم و دیگران را در این راه یاری دهیم. در بیان زیبایی، حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

”حضرت بهاءالله دایره وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظلّ سرپرده وحدت ارائه نموده اند و این عنایات الهی است. همه ما باید با دل و جان بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هرچه بکوشیم، قوّت بیشتری نصیب ما خواهد شد.“





”حضرت بهاءالله دایره وحدت را ترسیم فرموده اند و طرحی برای وحدت مردمان و اجتماع ایشان در ظلّ سراپرده وحدت ارائه نموده اند و این عنایات الهی است. همه ما باید با دل و جان بکوشیم تا حقیقت وحدت در بین ما جلوه نماید و هرچه بکوشیم، قوّت بیشتری نصیب ما خواهد شد.“

حیات مبارک حضرت بهاءالله



حضرت بهاءالله در سال ۱۸۱۷ میلادی (۱۱۹۶ شمسی و ۱۲۳۳ قمری) در طهران، پایتخت ایران، متولد شدند. از اوان طفولیت آثار عظمت در آن حضرت ظاهر بود. در منزل آموزش مختصری دیدند، ولی در هیچ مدرسه ای وارد نشدند، چون از طرف خداوند دارای علم لدنی بودند. حضرت بهاءالله از خانواده شریف و اصیل بودند و در جوانی مشاغل عالیه ای در دربار شاه به حضرتشان پیشنهاد شد، لیکن ایشان نپذیرفتند. و مایل بودند که بیشتر اوقاتشان را صرف کمک به ستمدیدگان، بیماران و مستمندان نمایند، و از حق و عدالت دفاع کنند.





از اوان طفولیت آثار عظمت در
حضرت بهاءالله ظاهر بود. در منزل
آموزش مختصری دیدند، ولی در
هیچ مدرسه ای وارد نشدند، چون
از طرف خداوند دارای علم لدنی
بودند. حضرت بهاءالله از خانواده
شریف و اصیلی بودند و در جوانی
مشاغل عالیه ای در دربار شاه به
حضرتشان پیشنهاد شد، لیکن
ایشان نپذیرفتند.

مشقات و مصائب حضرت بهاءالله



زندگی حضرت بهاءالله دارای دو جنبه است که هریک را جداگانه ذکر می نماییم.

- مشقات و مصائبی که حضرت بهاءالله تحمل فرمودند.
- تأثیر فوق العاده ای که در قلوب و افکار مردم گذاشتند.

این دو جنبه در زندگی تمام مظاهر ظهور الهی وجود دارد. مشقات حضرت بهاءالله زمانی شروع شد که برای اعلام امر الهی قیام فرمودند. زندگی ایشان شامل تبعید، حبس و شکنجه بود. حضرتشان به مدت چهار ماه در زیر سلاسل (زنجیر) در سیاه چالی تنگ و تاریک در طهران زندانی بودند. چهار مرتبه از محلی به محل دیگر تبعید شدند، و بالاخره به زندان عکا در امپراطوری عثمانی منتقل گردیدند. آن قدر مصائب ایشان شدید بود که به عکا لقب "سجن اعظم" را دادند. در یکی از الواحشان می فرمایند:

”ذَكَرَ أَيَّامِي فِي أَيَّامِكَ ثُمَّ كُرْبَتِي وَ غُرْبَتِي فِي هَذَا السَّجْنِ
الْبَعِيدِ وَ كُنْ مُسْتَقِيمًا فِي حَبِيٍّ بَحِيثٍ لَنْ يَحُولَ قَلْبُكَ وَ لَوْ
تُضْرَبُ بِسُيُوفِ الْأَعْدَاءِ وَ يَمْنَعُكَ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ
الْأَرْضِينَ.“

”روزهای زندگی مرا در روزگارانت به یاد آر و مشقاتی که بر من وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبت من مستقیم و ثابت باش، تا جایی که قلبت ادنی تحوّل نپذیرد، اگر چه با شمشیرهای اعدا مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منع تو قیام کنند.“ (مضمون)



”ذَكَرُ أَيَّامِي فِي أَيَّامِكَ ثُمَّ كُرْبَتِي وَ غُرْبَتِي فِي هَذَا السَّجْنِ الْبَعِيدِ وَ
كُنْ مُسْتَقِيمًا فِي حَبِيٍّ بِحَيْثُ لَنْ يَحُولَ قَلْبُكَ وَ لَوْ تَضْرَبُ بِسُيُوفِ
الْأَعْدَاءِ وَ يَمْنَعُكَ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِينَ.“

”روزهای زندگی مرا در روزگارانت به یاد آر و مشقّاتی که بر من
وارد گشته و غربتم را در این زندان دور به خاطر آور و در محبّت
من مستقیم و ثابت باش، تا جایی که قلبت ادنی تحوّل نپذیرد، اگر
چه با شمشیرهای اعدا مضروب گردی و تمام اهل عالم بر منع تو
قیام کنند.“ (مضمون)

تحقق اراده الهی



کوشش های زیادی در مخالفت با حضرت بهاءالله و تعالیمشان از طرف دو حکومت مقتدر پادشاه ایران و سلطان عثمانی صورت گرفت. ولی نور حقیقت به آسانی خاموش شدنی نیست. آب فراوانی که بر این آتش ریخته می شد تا شعله آن را خاموش نماید، تبدیل به روغن شده آتش را با شدت بیشتری شعله ور می ساخت. هیچ چیز نمی توانست مانع رشد و نفوذ امر حضرت بهاءالله گردد. هر قدر مقامات حکومتی ایشان را به نقطه دورتری تبعید می کردند، تعداد نفوسی که به تعالیم مبارک جذب می شدند و به عظمت و اقتدارشان پی می بردند بیشتر می شد. علی رغم تحمل بلایا و آزار و اذیت مداوم، حضرت بهاءالله، بیش از چهل سال به نزول کلام الهی ادامه دادند و **آن قدر عشق و نیروی روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند** که موفقیت و پیروزی امر ایشان محتوم و مسلم گردید.





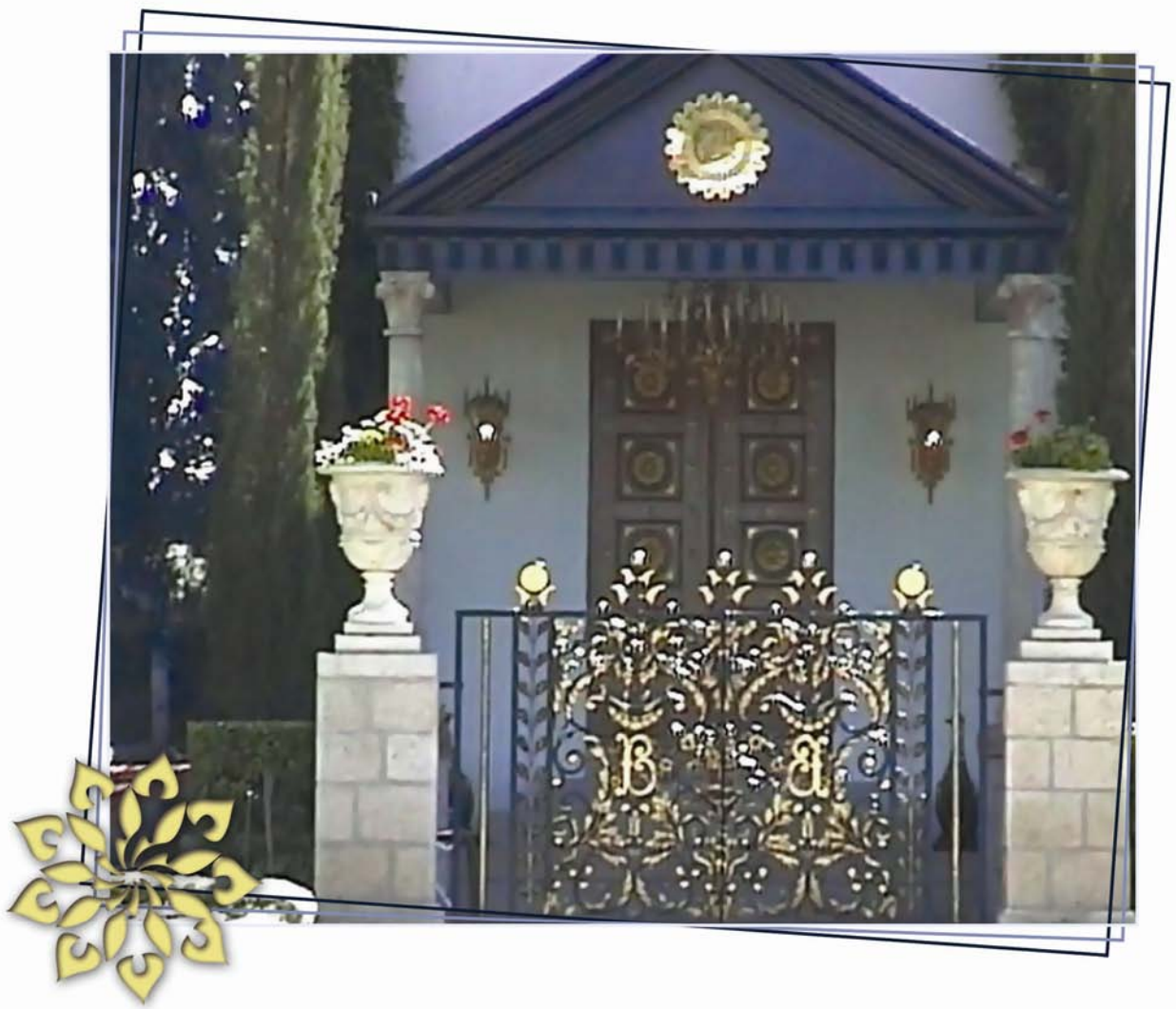
هر قدر مقامات حکومتی ایشان را به نقطه
دورتری تبعید می کردند، تعداد نفوسی که به
تعالیم مبارک جذب می شدند و به عظمت
و اقتدارشان پی می بردند بیشتر می شد.
حضرت بهاءالله، بیش از چهل سال به نزول
کلام الهی ادامه دادند و آن قدر عشق و نیروی
روحانی برای این عالم به ارمغان آوردند که
موفقیت و پیروزی امر ایشان محتوم و مسلم
گردید.

صعود حضرت بهاءالله



حضرت بهاءالله در سال ۱۸۹۲ میلادی (۱۲۷۱ شمسی و ۱۳۰۹ قمری) صعود فرمودند. مرقد مطهرشان، در نزدیکی شهر عکاست که برای بهاییان مقدس ترین نقطه روی زمین است. *

”اگر از منزل پرسی، سجن و اگر از غذا پرسی بلایا و محن و اگر از جسد پرسی در ضعف و اگر از روح پرسی در سرور و فرحی که مقابله نمی نماید به آن، سرور من علی الارض. حبس را قبول فرمودیم تا گردن های عباد از سلاسل نفس و هوی فارغ شود. و ذلت اختیار نمودیم تا عزت احبا از مشرق اراده اشراق نماید؛ همچو مدان که حق عاجز است، قسم به اسم اعظم که اگر اراده فرماید ارواح جمیع امم را به کلمه ای اخذ نماید. معذالک از ظلم ظالمین چشم پوشیده و حمل بلایای لاتحصى فرموده تا کل را به مدینه باقیه ابدیه کشاند.“



روضه مبارکه

(مرقد مطهر حضرت بهاءالله)

بهجی

حضرت باب



حضرت باب یکی دیگر از طلعات مقدسه هستند. قبل از ظهور مظهر الهی همیشه کسانی هستند که به ظهور ایشان بشارت می دهند.

به طور مثال چند سال قبل از این که حضرت مسیح امر خود را آشکار نمایند ، یحیی تعمید دهنده به مردم بشارت داد که مسیح موعود به زودی ظاهر خواهد شد. به همین صورت چند سال قبل از اظهار امر حضرت بهاءالله، خداوند مبشری برای اعلان ظهور ایشان فرستاد. این مبشر عظیم خود را " باب " نامید که به معنای " در " است. آن حضرت در حقیقت، بابی به سوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم وجود بودند . به مدت شش سال بدون وقفه مردم را آماده ظهور مظهر الهی نمود. به مردم گفت شاهد طلوع عصر جدیدی خواهند بود و موعود جمیع اعصار ظاهر خواهد شد. از آنان خواست که قلوب خود را از تعلقات دنیوی پاک کنند تا بتوانند مظهر ظهور الهی را که ظاهر خواهد شد بشناسند.



حضرت باب در حقیقت، دروازه ای بودند به
سوی معرفت خدا و عصر جدیدی در عالم
وجود.

حیات مبارک حضرت باب



هزاران هزار نفر از مردم رسالت حضرت باب را پذیرفتند و از آن حضرت پیروی کردند. لیکن حکومت ایران و علمای مقتدر که بر مردم مسلط بودند، علیه آن حضرت قیام نمودند. پیروان ایشان را تحت شکنجه و صدمات بسیار قرار دادند و تعداد کثیری را شهید نمودند. حضرت باب در سن ۳۱ سالگی به وسیله لشکر سربازان به دستور دولت در میدان شهر تبریز مقابل رگبار گلوله قرار گرفتند و شهید شدند.

در ذیل دو فقره از ادعیه تاثیرگذار حضرت باب ذکر می گردد:

”هَلْ مِنْ مُفْرِجٍ غَيْرُ اللَّهِ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَ كُلُّ بَآمْرِهِ قَائِمُونَ.“

”آیا نجات دهنده ای غیر از خدا هست؟ بگو پاک و منزّه است خداوند، اوست خدا، همه بندگان او هستند و کل به امر او قائم و باقی اند.“ (مضمون)

”قُلْ اللَّهُ يَكْفِي كُلَّ شَيْءٍ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ لَا يَكْفِي عَنْ اللَّهِ رَبُّكَ مِنْ شَيْءٍ لَا فِي السَّمَوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ وَ لَا مَا بَيْنَهُمَا إِنَّهُ كَانَ عَلَماً كَافِياً قَدِيراً.“

”بگو خداوند همه چیز را از هرچیز بی نیاز می نماید و هیچ چیز از خداوند، پروردگار تو بی نیاز نیست. نه آنچه در آسمانها و نه در زمین و نه در میان آن دو است. به درستی که اوست داننده، بی نیاز توانا.“ (مضمون) ❁



هَلْ مِنْ مُفْرَجٍ غَيْرُ اللَّهِ قُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ هُوَ اللَّهُ كُلُّ عِبَادٍ لَهُ وَ كُلُّ بَامِرِهِ قَائِمُونَ."

"آیا نجات دهنده ای غیر از خدا هست؟ بگو پاک و منزّه است خداوند، اوست خدا، همه بندگان او هستند و کل به امر او قائم و باقی اند."

"قُلْ اللَّهُ يَكْفِي كُلَّ شَيْءٍ عَنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي عَنْ اللَّهِ رَبِّكَ مِنْ شَيْءٍ لَا فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا مَا بَيْنَهُمَا أَنَّهُ كَانَ عَلَماً كَافِياً قَدِيراً."

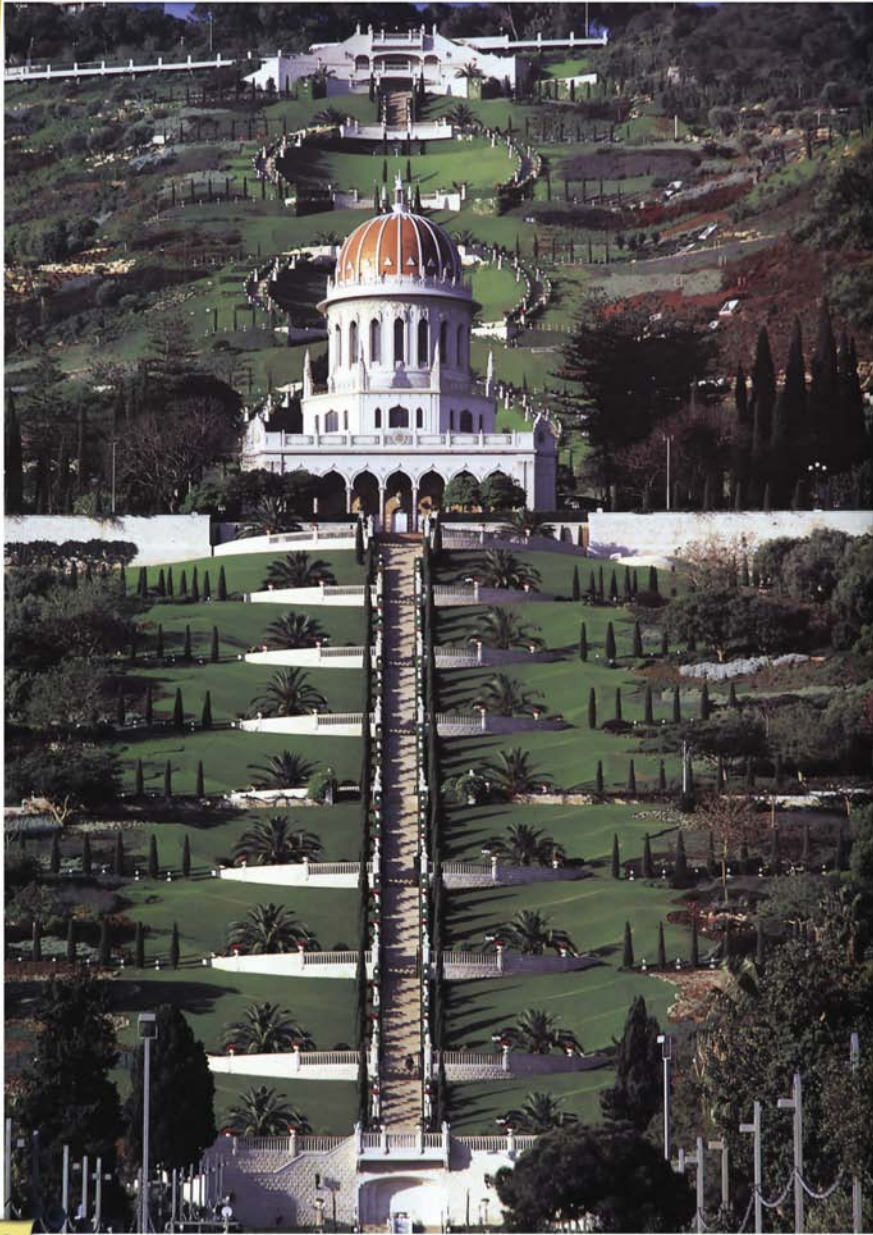
"بگو خداوند همه چیز را از هر چیز بی نیاز می نماید و هیچ چیز از خداوند، پروردگار تو بی نیاز نیست. نه آنچه در آسمانها و نه در زمین و نه در میان آن دو است. به درستی که اوست داننده، بی نیاز و توانا."

شهادت حضرت باب



پس از شهادت حضرت باب، جسد مطهرشان بیرون دروازه شهر گذاشته شد. پیروانشان جسد مطهر ایشان را از جایی به جای دیگر منتقل کردند و همیشه از انظار دشمنان مخفی داشتند تا بالاخره به کوه کرمل در ارض اقدس منتقل نمودند.





مقام اعلیٰ (مرقد مطهر حضرت باب)

عهد و میثاق حضرت بهاءالله



در همه ادیان گذشته ، بعد از صعود مظهر امر، پیروانشان هزاران اختلاف با همدیگر پیدا کرده، باعث تقسیم دیانت به شعب و مذاهب مختلفه می گردیدند. بعضی از اوقات علت عدم اتحاد به خاطر ریاست طلبی تعدادی از افراد بود. حتی وقتی که مومنین مخلص این ادیان درباره کلمات انبیاء آراء و نظریات مختلفه ای داشتند هیچ کس از طرف آن مظهر ظهور برای شرح آیات تعیین نشده بود و این باعث بروز اختلاف و جدال می شد و بالاخره هر قسم تفسیر و شرحی سبب به وجود آمدن مذاهب مختلفه می شد.

حضرت بهاءالله امر خود را با دمیدن قوایی بی نظیر از چنین تقسیم بندی حفظ فرمودند . و آن قوه عهد و میثاق است. قبل از صعود مبارک، به وضوح و کتباً مرقوم فرمودند که همه بهاییان پس از ایشان توجه به حضرت عبدالبهاء کنند و از راهنمایی هایشان پیروی نمایند.

حضرت عبدالبهاء فرزند ارشدشان بودند و تنها مبین آیات و مرکز عهد و میثاق الهی منصوب شدند. حضرت بهاءالله بنفسه آن حضرت را پرورش دادند، و ایشان از کودکی به مقام پدر بزرگوارشان پی بردند، و شریک رنج های پدر بزرگوار بودند.



... در وجود قوت عظیمه و قدرت کامله مکنون و
مستور ، به او و جهت اتحاد او ناظر باشید ...
وصیت الله آن که باید اغصان و افنان و منتسبین طراً
به غصن اعظم (حضرت عبدالبهاء) ناظر باشند.

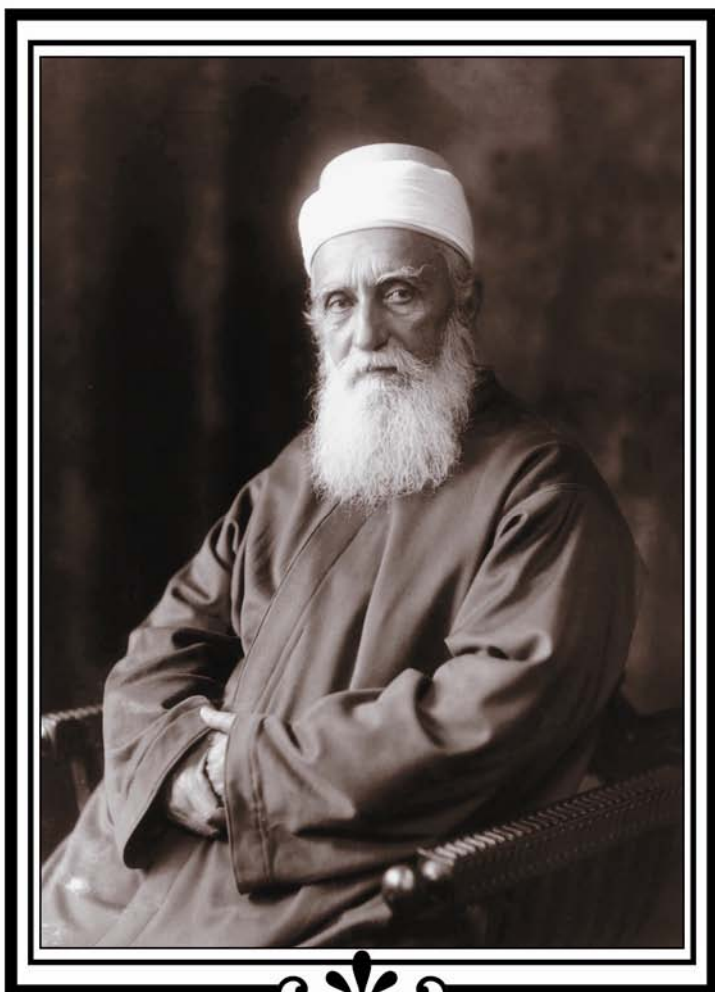
حیات مبارک حضرت عبدالبهاء



حضرت عبدالبهاء به مدت ۷۷ سال در این عالم زندگی نمودند، ایشان در همان شبی که حضرت باب اظهار امر فرمودند تولد یافتند و در نوامبر ۱۹۲۱ میلادی (۱۳۰۰ شمسی) ، به ملکوت ابهی صعود فرمودند. حیات آن حضرت مملو از مصائب و محن بود و مع ذلک باعث سرور همه نفوسی بودند که به حضورشان مشرف می شدند. حضرت بهاءالله به نفسه، حضرت عبدالبهاء را در داشتن صفات و خصوصیات حقیقی پرورش دادند. ایشان، گرانبهارترین هدیه به عالم بشری و مثل اعلی و بهترین سرمشق در اجرای کلیه تعالیم مبارکه اند. ما از ایشان صفات روحانی مانند عشق، محبت، صبر و بردباری که حضرت بهاءالله از همه نوع بشر می خواهند تا آن را کسب کنند، می آموزیم.

بعد از صعود پدر بزرگوارشان، مسئولیت جامعه بهائی بر روی شانه های ایشان قرار گرفت، ایشان شبانه روز به انتشار امر اعظم در شرق و غرب عالم مشغول شدند. هزاران الواح به افراد و گروه های مختلفه در نقاط مختلفه عالم مرقوم فرمودند و تعالیم مبارکه پدر بزرگوارشان را روشن و واضح نمودند. تبیینات ایشان، هم اکنون از اساسی ترین آثار امر بهائی است. با تمرکز در مقام حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز عهد و میثاق حضرت بهاءالله، بهائیان عالم، متحدانه در سعی و کوششند تا حیات بهائی داشته باشند و مدنیت نوین جهانی را بسازند.

بهائیان به عنوان بخشی از عهدشان با حضرت بهاءالله باید همه را دوست داشته ، عادل و کریم باشند و در وجود حضرت عبدالبهاء نمونه کامل فردی را بیابند که عشق می ورزد و از اشتباهات دیگران چشم می پوشد. بیش از هر چیز دیگر با تمرکز بر حضرت عبدالبهاء ، بهائیان همواره متوجه عهدشان با حضرت بهاءالله بوده و به عنوان یک جامعه جهانی متحد می کوشند تا وحدت عالم انسانی را در کره ارض مستقر سازند.



حضرت عبدالبهاء

مرکز عهد و میثاق
مبین آیات حضرت بهاءالله

ولی امر و بیت العدل اعظم



در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء نوه ارشدشان را به عنوان ولی امرالله پس از صعود خود منصوب فرمودند. حضرت شوقی افندی مبین منصوص تعالیم الهی می باشند و به مدت ۳۶ سال راه پدر بزرگشان را ادامه دادند. تفسیر آیات مظهر ظهور نمودند و امرالله را در سراسر عالم مستقر ساختند.

۵ سال و نیم پس از صعود مبارک، بهائیان عالم بیت العدل اعظم الهی را به همان صورتی که حضرت بهاءالله وعده داده بودند و حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله تبیین فرموده بودند، انتخاب نمودند. بیت العدل اعظم، اعظم موسسه امر بهائی است که همه بهائیان عالم به او توجه می کنند.





حضرت شوقی افندی

ولی امر اللہ
مبین آیات حضرت بہاء اللہ

احکام بهایی



مهمترین قسمت هر دیانت احکام و قوانینی است که مظاهر ظهور برای هدایت بشر با خود می آورند. **بعضی از احکام و قوانین ابدی است و قابل تغییر نیستند و بعضی دیگر با پیشرفت بشریت تغییر می کند.** در امر بهائی آموخته ایم که احکام را نباید به عنوان مجموعه ای از باید ها و نباید ها در نظر گرفت. حضرت بهاءالله در رابطه با احکام می فرمایند:

“انّ اوامری سُرُجَ عَنایتی بَیْنَ عبادی و مَفاتیح رَحمتی لِبَریّتی”
“اوامر من چراغ های عنایتم بین بندگانم و کلید های رحمتم بین خلقم هستند.” (مضمون)

و نباید اطاعت این احکام به خاطر ترس از مجازات باشد. در کتاب مستطاب اقدس به روشنی می فرمایند:

“انّ اَعْمَلُوا حُدُودی، حُبّاً لِّجَمالی.”
“احکام مرا به خاطر عشقی که به جمالم دارید، اجرا نمایید.”
(مضمون)

با ذکر چند مثال از احکام بهائی، این ایده ها واضحتر خواهد شد:



"إِنَّ أَوَامِرِي سُرُجَ عَنَائِتِي بَيْنَ عِبَادِي وَ مَفَاتِيحَ رَحْمَتِي لِبَرِيَّتِي"
"اوامر من چراغ های عنایتم بین بندگانم و کلید های رحمتم بین
خلقم هستند."

"أَنْ أَعْمَلُوا حُدُودِي، حُبًّا لِّجَمَالِي."
"احکام مرا به خاطر عشقی که به جمالم دارید، اجرا نمایید."

دعا و مناجات



در عالم جسمانی، بشر محتاج به خوراک روزانه است. این یکی از احتیاجات جسم انسان است، اگر به آن توجه نکنیم، مریض شده و به زودی خواهیم مرد. پس می توانیم بگوئیم، که خوردن خوراک روزانه ضرورتی برای وجود جسمانی ما است که باید اطاعت شود. به همین ترتیب، یکی از احکام حضرت بهاءالله است که باید روزانه دعا و مناجات بخوانیم. مانند جسم ما، روحمان نیز احتیاج به تغذیه مستمر دارد. دعا و مناجات غذائی است برای پیشرفت روحانی ما. مناجات های زیبائی است که توسط حضرت باب، حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نازل شده که می توانیم در تنهایی و یا در جلسات بخوانیم. بعضی از این ادعیه مخصوص و بعضی از دعاها واجب هستند.

دعا و مناجات گفتگو با خداوند است. اگر شخصی به دیگری

محبت دارد، آرزویش اظهار آن محبت است و این که در حضور آن شخص، حاضر شود. بنابراین به عنوان نشانه ای از عشق به خداوند، فرد بهایی آرزو دارد تا با او گفتگو کند، به بیانی دیگر این که، هر روز دعا نماید.



دعا و مناجات گفتگو با خداوند است.
اگر شخصی به دیگری محبت دارد ،
آرزویش اظهار آن محبت است و اینکه در
حضور آن شخص ، حاضر شود.

نماز (صلاة)



یکی از دعا‌های واجب نماز است مانند نماز کوچک که بهائیان هر روز از ظهر تا غروب آفتاب یکبار می‌خوانند:



"أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَ عِبَادَتِكَ أَشْهَدُ فِي هَذَا الْحَيْنِ بِعَجْزِي وَ قُوتِكَ وَ ضَعْفِي وَ اقْتِدَارِكَ وَ فَقْرِي وَ غِنَائِكَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيْمِنُ الْقَيُّومُ."

"گواهی می‌دهم ای خدای، من به این که تو مرا برای شناسایی و پرستش خود آفریدی، در این لحظه گواهی می‌دهم بر ناتوانی خود و توانائی تو و ضعف خود و اقتدار تو و فقر خود و بی‌نیازی تو. نیست خدایی جز تو که فریادرس و بی‌نیازی."





"أَشْهَدُ يَا إِلَهِي بِأَنَّكَ خَلَقْتَنِي لِعِرْفَانِكَ وَ عِبَادَتِكَ أَشْهَدُ فِي هَذَا
الْحَيْنِ بِعَجْزِي وَ قُوَّتِكَ وَ ضَعْفِي وَ اقْتِدَارِكَ وَ فَقْرِي وَ غَنَائِكَ لَا
إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمُهَيَّمِنُ الْقَيُّومُ."

"گواهی می دهم ای خدای من به این که تو مرا برای
شناسایی و پرستش خود آفریدی ، در این لحظه گواهی
می دهم بر ناتوانی خود و توانائی تو و ضعف خود و اقتدار تو
و فقر خود و بی نیازی تو. نیست خدایی جز تو که
فریادرس و بی نیازی."

غیبت و افتراء



در حکم دیگری، حضرت بهاءالله غیبت و افتراء را منع می فرمایند. غیبت یکی از بزرگترین دشمنان وحدت است. و متأسفانه عاداتی شده است در بین مردم که نسبت به عیوب دیگران در غیابشان صحبت کنند. همه مردم علاقه زیادی راجع به عیوب دیگران نشان می دهند. و این عیوب همین طور که راجع به آن صحبت می شود بمرور زمان بزرگ و بزرگ تر می شود. حضرت عبدالبهاء به ما تعلیم می دهند که اگر ده صفت خوب در شخصی دیدیم و یک عیب، می بایست دقت روی ده صفت خوب او کنیم. و اگر شخصی ده صفت بد داشت و یک صفت خوب، باز هم باید دقت روی یک صفت خوب او کنیم.





اگر ده صفت خوب در شخصی
دیدیم و یک عیب، می بایست دقت
روی ده صفت خوب او کنیم. و اگر
شخصی ده صفت بد داشت و یک صفت
خوب، باز هم باید دقت روی یک صفت
خوب او کنیم.

بد مشنو و بد مبین



حضرت بهاءالله می فرمایند:
”ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین، و خود را ذلیل مکن
و عویل برمیاری، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب مردم را
بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی میپسند تا
ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب طاهر و صدر
مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود که اقل از آنی
محسوبست فارغ باش تا به فراغت از این جسد
فانی به فردوس معانی راجع شوی و در ملکوت باقی مقرر
یابی.“





”ای رفیق عرشی بد مشنو و بد مبین، و خود را ذلیل
مکن و عویل برمیاری، یعنی بد مگو تا نشنوی، و عیب
مردم را بزرگ مدان تا عیب تو بزرگ ننماید، و ذلت نفسی
مپسند تا ذلت تو چهره نگشاید. پس با دل پاک و قلب
طاهر و صدر مقدس و خاطر منزّه در ایام عمر خود
که اقل از آنی محسوبست فارغ باش تا به
فراغت از این جسد فانی به فردوس معانی راجع
شوی و در ملکوت باقی مقر یابی.“

حرمت مشروبات الکلی و مواد مخدر



حضرت بهاءالله نوشیدن نوشابه های الکلی و استعمال مواد مخدر را منع فرموده اند. نوشیدن مشروبات الکلی یکی از بزرگترین بیماریهای اجتماعی است که امروز در عالم وجود دارد و یکی از رایج ترین دلایل خشونت و تخریب سلامت حیات خانواده است .

استفاده از مشروبات ذهن را مختل می کند و توانایی تفکر صحیح را از آن می گیرد و افراد را به انجام اعمال شرم آور قادر می سازد در حالی که در اصل عزیز و شریف آفریده شده است .

حضرت بهاءالله در بیان زیبایی راجع به عزّت و شرافت انسان می فرمایند:

”... ای بندگان اگر از بدایع فضلّم که در نفس شما ودیعه گذارده ام مطلع شوید ، البته از جمیع جهات منقطع شده به معرفت نفس خود که نفس معرفت من است پی برید و از دون من خود را مستغنی بینید ... این مقام امنع اقدس را به مشتهیات ظنون و هوی وافکیات وهم و عمی ضایع مسازید.“



”... ای بندگان اگر از بدایع فضلّم که در نفس شما ودیعه
گذارده ام مطلع شوید ، البته از جمیع جهات منقطع شده به
معرفت نفس خود که نفس معرفت من است پی برید و از
دون من خود را مستغنی بینید ... این مقام امنع اقدس را به
مشتهیات ظنون و هوی وافکیّات وهم و عمی ضایع مسازید.“

تعلیم و تربیت اطفال



یکی از احکام دیگر حضرت بهاءالله، راجع به وظیفه والدین و جامعه در تربیت اطفال است. همان گونه که اطفال آموزش های انسانی می بینند، به همان صورت باید آنها را تربیت روحانی نمود. این یک فریضه است. حضرت بهاءالله به والدین می فرمایند که اگر اطفال صفات روحانی را همانند علوم و فنون نافع کسب کنند، قادر خواهند بود زندگی سازنده ای داشته باشند.

حضرت عبدالبهاء فرموده اند:

”وجه قدم ... وصیت می فرماید به تربیت اولاد. اگر والد در این امر اعظم که از قلم قدم در کتاب اقدس نازل شده غفلت نماید ... لدی الله از مقصرین محسوب.“

”اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آن است که بای وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث کوشند و دختران مانند پسرانند ابدا فرقی نیست ؛ جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو مبغوض و هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ.“

”آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، برابرند؟“
(ترجمه)





”اول تکلیف یاران الهی و اماء رحمانی آن است که بای
وجه کان در تربیت و تعلیم اطفال از ذکور و اناث
کوشند و دختران مانند پسرانند ابدا فرقی نیست ؛
جهل هر دو مذموم و نادانی هر دو مبغوض و هَلْ
یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ.“

”آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، برابرند؟“
(مضمون)

اقدامات یک بهایی



امر بهایی تنها مجموعه ای از آرمان های زیبا نیست، در حقیقت دیانت بهائی، دیانتی منسجم است و هدف آن چیزی جز وحدت عالم انسانی نیست. بنابر این **کار بهائیان ساختن یک مدنیت جهانی است.**

بیت العدل اعظم می فرمایند که در این ساختن سه نوع شرکت کننده وجود دارد و هر کدام وظیفه مهمی دارند.

- فرد
- جامعه
- موسسات امری





کار بهائیان ساختن یک مدنیت
جهانی است.



اولین شرکت کننده، افراد احباء هستند . این وظیفه فرد است که در عهد و میثاق الهی ثابت باشد و سعی کند تا حیات خود را مطابق با تعالیم حضرت بهاءالله نماید و خدمتی به عالم انسانی کند. و همیشه متوجه این حقیقت باشد که حیات با مرگ تمام نمی شود و رابطه فرد با خدا جاودانی و همیشگی است.

پس از مرگ روحمان آزاد می شود و به سوی خدا مستمرا پیشرفت می کند. زندگی ما در این دنیا مانند حیات جنین در رحم مادر است. به مدت نه ماه ، جنین قوایی مانند چشم، گوش و دست در خود ایجاد می کند تا در آینده در این دنیا از آنها استفاده کند. به همین ترتیب ما نیز در این دنیا باید خصوصیات روحانی را در خود ترقی دهیم تا برای پیشرفت خود در عوالم بعد، از آنها استفاده کنیم. البته فقط با تفکر در این مسئله، کاری انجام نداده ایم. باید عمل کنیم و به هم نوع خود خدمت کنیم، دانش و معرفتی را که به دست آورده ایم در اختیار دیگران قرار دهیم.



برای پیشرفت خود در عوالم بعد، باید
عمل کنیم و به هم نوع خود خدمت کنیم،
دانش و معرفتی را که به دست آورده ایم
در اختیار دیگران قرار دهیم.



دومین شرکت، کننده جامعه است. انسان به دنیا نیامده است که به تنهایی زندگی کند. ما در جامعه زندگی می کنیم و باید با هم کار کنیم تا مدنیت جهانی را بسازیم. نزدیک ترین جامعه به ما جامعه محلی ما است که متشکل از بهائیان شهر و یا روستا است. در این جامعه محلی است که یاد می گیریم با هم کار کنیم و با هم پیشرفت کنیم و متحد شویم. در عین حالی که عضو جامعه محلی هستیم عضو جامعه ملی و جامعه جهانی بهائی نیز هستیم که مستمرا این جوامع در حال نمو است و مردمان کثیری را از ادیان و ملیت ها و نژادهای مختلفه به سوی خود جذب می کند.





جامعه بهایی مستمرا در حال نمو است و
مردمان کثیری را از ادیان و ملیت ها و
نژادهای مختلفه به سوی خود جذب
می کند.



در آثار حضرت بهاءالله مطالبی بسیار راجع به نظم جامعه اشاره شده است. در زمان قدیم مظاهر الهی راجع به این مطلب خیلی کم اشاره فرمودند که چطور پیروانشان می بایست جامعه خود را تنظیم و اداره کنند. در رابطه با امر بهائی، حضرت بهاءالله نظم بدیعی آوردند و به ما فرمودند که چه موسساتی باید تاسیس شود و چطور باید کار کنند و جامعه انسانی را اداره نمایند.

عالی ترین موسسه امر بهایی، بیت العدل اعظم است. سالی یک بار بهائیان عالم در هر کشور، محفل ملی و در هر شهر محفل محلی خود را انتخاب می کنند. در امر بهائی پیشوای مذهبی نیست و این محفل روحانی است که جامعه را هدایت کرده و در حفظ سعادت و بهروزی مومنین تلاش می کند. محفل روحانی محلی از ۹ عضو تشکیل می شود که در فضایی روحانی از طریق رای مخفی و به وسیله افراد بالغ (بالای ۲۱ سال) جامعه انتخاب می شوند. محافل روحانیه اهمیت زیادی برای بهائیان دارد. به وسیله این محافل است که جامعه اداره می شود و نظم جدید در جامعه تاسیس می گردد. نظامی که به نظم بدیع جهانی حضرت بهاءالله شهرت دارد.





عالی ترین موسسه امر بهایی، بیت العدل
اعظم است.



متن فوق شرح مختصری از امر بهائی بود. برای بهائی بودن به جا آوردن آئین و تشریفات ویژه ای لازم نیست. امری که ضروری می باشد این است که شخص قلباً بپذیرد که حضرت بهاءالله مظهر ظهور الهی این عصر هستند و کلمات و هدایات الهی را نازل فرموده اند. مهم است که درک کنیم یک بهائی پس از قبول حضرت بهاءالله آگاهانه تعالیمشان را در زندگی اش به کار می برد و شب و روز می کوشد تا درک و فهمش را از امر بهائی افزایش دهد. حضرت عبدالبهاء فرموده اند:

”به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظر گاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهی گردد. به قدر قوت رحمت عالمیان شود و به قدر استعداد موهبت عالم انسان گردد. چون به این مواهب موفق شود، می توان گفت که بهائی است.“



”به جمیع شئون از خصائل و فضائل رحمانی در روش و رفتار نفوس ربانی قیام کنند و ثابت نمایند که بهائی حقیقی هستند نه لفظ بی معنی و بهائی این است که شب و روز بکوشند تا در مراتب وجود ترقی و صعود نمایند و نهایت آرزوی هر یک این باشد که نوعی روش و حرکت نماید که جمیع بشر از آن مستفیض و منور گردند و نقطه نظرگاهش همواره خلق و خوی حق باشد و روش و سلوکش سبب ترقیات نامتناهی گردد. به قدر قوت رحمت عالمیان شود و به قدر استعداد موهبت عالم انسان گردد. چون به این مواهب موفق شود، می توان گفت که بهایی است.“

دعا به جهت ترقی روحانی



هو الله

ای خداوند مهربان این دل را از هر
تعلقی فارغ نما و این جان را به هر
بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا
و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش
گرفتار نما تا به کلی شیدای تو
گردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و
جز تو نجویم و به غیر از راه تو
نپویم و بجز راز تو نگویم مانند
مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار
گردم و شب و روز بنالم و بزارم و
بگیریم و بگویم یا بهاء الاهی

ع ع

هو الله

ای خداوند مهربان این دل را از هر تعلقی فارغ نما و
این جان را به هر بشارتی شادمانی بخش از قید آشنا
و بیگانه آزاد کن و به محبت خویش گرفتار نما تا به
کلی شیدای تو گردم و دیوانه تو، جز تو نخواهم و
جز تو نجویم و به غیر از راه تو نیپویم و بجز راز
تو نگویم مانند مرغ سحر در دام محبت تو گرفتار
گردم و شب و روز بنالم و بزارم و بگریم و بگویم
یا بهاء الابهی

ع ع

